

(... ..)

Brass *ff*.

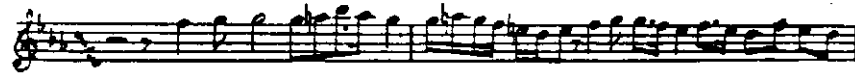
... ..

شرق جهان کار کردی اصول انصاف

برخاستی

از راه راست

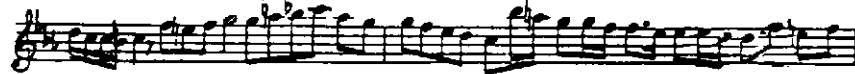
عزیز عالم



جاسوسی بود

فانه

که شد



...

و زارقی

ردفا

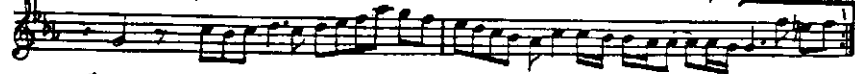
از راه



را فخر ده سم

نک

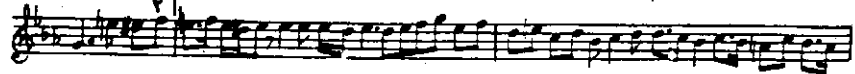
ستاره



...

فر - رک د لب

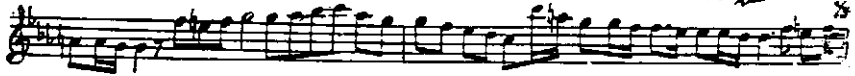
در مری در



کرای در ماه

بی

قصه در



جان اسیری اضطراب اولسونمی سن جانان ایکن

بیقرار و خاکسار اولسمده حنجرانکه بن

لبلرک هر دردمه درماندر ای کل پیره من

جاننده سن جنانده سن هجرانده سن درمانده سن

... ..